

**شهروند** بالاخره از یکی از آخرین بازی‌های حسین محب‌اهری رونمایی شد؛ فیلمی که در روزهای پایانی شهریور به کارگردانی جواد رضویان فیلمبرداری آن به پایان رسید. در روزهای آخر بهمن ماه وقتی خبر رسید که حسین محب‌اهری فوت شده است، تهیه‌کننده فیلم‌ها هرمار اعلام کرد: «تلاشمان این بود که فیلم را ببیند اما خواست خدا بود که این اتفاق تلخ بیفتد.» زهرماری به کارگردانی جواد رضویان ساخته شده است و البته صحنه نقش آفرینی محب‌اهری به عنوان پدر عروس و داماد بسیار کوتاه بود. او با کتوشلوار روشن روی ویلچر نشسته و شاهد صحبت میان عاقد و عروس و داماد بود.

## یکی از آخرین‌های محب‌اهری

همایون غنی‌زاده که بیشتر با نمایش‌هایی مثل «می‌سی‌سی‌پی منسسته می‌میرد» و «کالیگولا» برای تئاتری‌ها شناخته شده و در سینما هم آن نقش عجیب‌وغریبش در فیلم خاص «اژدها وارد می‌شود» مانی حقیقی؛ غنی‌زاده که پیش از این در نمایش پر زرق‌وبرق «می‌سی‌سی‌پی...» عشق و ارادتش به سینما و نوستالژی را نشان داده بود، فیلم اولش را هم به تاسی از همان ذوق و شوق روی پرده سینما آورده و شاید حتی بتوان گفت یک نوع «می‌سی‌سی‌پی...» سینمایی ساخته! فیلمی که کافی است کمی عشق سینما باسید تا ده‌ها ارجاع ریز و درشت به آثار ماندگار تاریخ سینما در طول تماشايش جلوی چشمانتان رژه برونند.

داستان شاگرد آرایشگری به نام «دانش» که رویای بازیگر شدن دارد و شب‌ها پس از پایان کار، غرق در تخیل همبازی شدن با یک ستاره جذاب و دل‌فریب سینما به تمرین بازیگری می‌پردازد. غنی‌زاده با محوریت قرار دادن این موضوع دست به تجربه تصویری جنون‌آمیزی زده که یا می‌توانید با آن ارتباط برقرار کنید و با شخصیت‌هایش همراه شوید یا فیلم برایتان گنگ و بی‌هدف باقی می‌ماند. اما با هر نگاهی «مسخره‌باز» را نگاه کنید، نمی‌شود دستاورد تصویری آن را نادیده گرفت، سکانس‌هایی سخت و پر جزئیات با اجرایی درخشان که نخستین فیلم غنی‌زاده را به یک اثر تجربه‌نشده و خاص در سینمای ایران تبدیل کرده و صد آفسوس که برخلاف فیلم‌هایی چون «Perfume: The Story of a Murderer» و «Sweeney Todd: The Demon Barber of Fleet Street» که غنی‌زاده به آنها نیز ارجاعاتی داده، «مسخره‌باز» فیلمنامه قابل دفاع و داستانی جفت‌وبست‌داری ندارد و چه کسی در سینما می‌تواند مدعی باشد که فیلمی با وجود درخشان بودن در عرصه تکنیک بدون داشتن فیلمنامه‌های منسجم می‌تواند تبدیل به اثری درجه یک شود؟! البته حیف است این وسط به بازی درخشان علی نصیریان در نقش صاحب آرایشگاه غرغرو و شکست‌خورده و بازی‌های قابل قبول و در خدمت فیلم صابر ابر، رضا کیانیان و بابک حمیدیان اشاره نکند.



## چشم‌نوازی «مسخره‌باز» در مسلخ فیلمنامه!

**محمدصادق شایسته** | این عبارت را باید روی تابلویی بزرگ نوشت و جلوی چشم فیلمسازان ایرانی گذاشت: «آقا، خانم، اول فیلمنامه!» چیزی که وقتی نباشد یا بد باشد، هر چه ذوق و زحمت تکنیکی‌ای که خرج کردی را زیر سایه سیاه خود می‌برد. آخرین نمونه‌اش؟! «مسخره‌باز» نخستین تجربه کارگردانی

حاشیه ۳

### روز نارنجی هدیه تهرانی و علی مصفا

در فیلم روزهای نارنجی در نقش مجید همسر هدیه تهرانی. خودش می‌گوید به ترغیب هدیه تهرانی این نقش را پذیرفته است. در نشست خبری این فیلم سوالات جالبی از سوی خبرنگاران با این بازیگر و تهیه‌کننده مطرح شد: «آقای مصفا بالاخره ما باید شما را به‌عنوان یک بازیگر بشناسیم یا تهیه‌کننده؟» او به این سوال خبرنگاران پاسخ جالبی داد: «عمری من درباره بازیگری بدو بپرسیدم و فکر می‌کنم امسال رکورد زد. یک عمری هم به تهیه‌کننده‌ها بد و بیراه گفتم که امسال خودم تهیه‌کننده‌ام. بهتر است دیگر چیزی نگویم.» دقیقاً هم همین‌طور است. او یکی از پرکارترین آدم‌های جشنواره امسال است که علاوه بر بازی در سه فیلم «سال دوم» دانشکده من»، «مردی بدون سایه» و «روزهای نارنجی» تهیه‌کنندگی دو فیلم سینمایی «مسخره‌باز» و «یلدا» را هم برعهده دارد.

**نورا بیگ**: انگار چهارمین روز جشنواره فیلم فجر را اختصاصی برای هدیه تهرانی و علی مصفا بسته بودند؛ دو بازیگری که در سال‌های گذشته همواره کارهای شاخصی در کارنامه خود داشته‌اند. هدیه تهرانی که در سال‌های اخیر کم‌کار شده است، حالا با دو فیلم قابل قبول یعنی «مسخره‌باز» و «روزهای نارنجی» به صحنه بازگشته است. نقش او در هر دو فیلم متفاوت‌تر از آن چیزی است که تا به حال در آن حضور داشته است. هدیه تهرانی در فیلم مسخره‌باز یک زن فانتزی است اما در روزهای نارنجی نقش آسان، زنی جدی را بازی می‌کند که گریم خیلی ساده‌ای دارد و گویش و لهجه او نیز نسبت به بازی‌های دیگرش تغییر یافته است. علی مصفا هم دقیقاً در هر دو فیلم حضور دارد، البته در مسخره‌باز به‌عنوان تهیه‌کننده و

### پشت‌صحنه

بازخوانی آخرین گفت‌وگوی همسر علی نصیریان **از اول گفت عاشق بازیگری ام**

آنچه در ادامه می‌خوانید آخرین مصاحبه و شاید تنها گفت‌وگوی مینویات بار سانه‌هاست. او در این گپ کوتاه با سعیده نیک‌اختر از روزگار و آشنایی‌اش با نصیریان گفته و عشقی که به کارش دارد. در این روزها که نام نصیریان سر زبان‌ها افتاده، بازخوانی این مصاحبه که دو سال پیش در هفته‌نامه همشهری جوان منتشر شده، خالی از لطف نیست.

یک روز به اتفاق مادرم به تئاتر رفتیم. بلیت را خانواده نصیریان به ما داده بودند. برای من که نخستین‌بار بود تئاتر می‌دیدم، خیلی روز عجیبی بود. اسمش یادم نیست ولی این را می‌دانم که درباره امیر کبیر بود و ایشان نقش سیاهی لشکر داشت. آن جابود که علی را دیدم. بعدها وقتی به دیدن می‌آمد بیشتر درباره تئاتر حرف می‌زد و می‌گفت که من بسیار به تئاتر علاقه دارم و عشق اولم تئاتر است و تا جایی که بتوانم می‌خواهم در تئاتر کار کنم. من این را پذیرفته بودم.

اگر اشتباه نکنم در تابستان ۳۸ ازدواج کردم و به پیشنهاد علی قرار شد وارد تئاتر بشوم، اما همان موقع بچه‌دار شدیم و ایشان به من گفت که بچه‌داری با تئاتر جور در نمی‌آید یا باید وارد تئاتر شوی یا باید در خانه بنشینی و بچه را بزرگ کنی، به نظر من بچه‌داری کار با ارزش تری است. من هم می‌پذیرفتم.

ما صاحب سه فرزند شدیم؛ برمک، بابک، باربد. برمک که خیلی زود با یک خانم ژاپنی ازدواج کرد و دو دختر به نام‌های میه و اما دارد. بابک سال‌ها بعد از برمک ازدواج کرد و صاحب دو پسر به نام‌های داوود و یوسف است و باربد هم با یکی از اقوام ازدواج کرده. هر سه پسرمان در آمریکا زندگی می‌کنند.

من و آقای نصیریان هیچ‌وقت بچه‌ها را مجبور نکردیم که شغل ورشته تحصیلی و محل زندگی‌شان را طبق سلیقه ما انتخاب کنند. دوست داشتیم آزاد باشند. درست است که به هنر علاقه دارند و گهگاهی سه‌تار می‌زنند اما هیچکدامشان به تئاتر و بازیگری علاقه‌مند نشدند.

آقای نصیریان این قدر عاشق بازیگری است که وقتی سرکار است، یادش می‌رود زن و زندگی هم دارد! من همیشه از دستش شاکی هستم و اعتراض می‌کنم، اما این به این معنی نیست که با ایشان بد اخلاقی کنم، من برای شغلش همیشه احترام قابل بوده‌هستم، چون ایشان به قدری صداقت داشت که از اول هم گفته بود عشقم تئاتر و بازیگری است.

معتمد زندگی با علی نصیریان سراسر خاطره و پر از لحظات خوب و خوش و فراموش‌نشدنی است.



علی مصفا در پایان نشست خبری فیلم روزهای نارنجی این‌طور دست‌به‌سینه شکار شده است. تهیه‌کننده احتمالاً از آن دور دارد قول تهیه‌کنندگی برای فیلم جدیدی را می‌دهد!

## ویژه جشنواره فیلم فجر

# ۹ شهروند

هر کسی که در خانه شما حضور دارد باید بدانند هنگام وقوع زلزله چه اقدامی انجام دهد حتی اگر شما موقع وقوع حادثه آنجا نباشید.

اتفاق خوب

### فازابی از کدام فیلم‌ها حمایت کرد؟

دوازده عنوان فیلم از آثار حاضر در سی‌وهفتمین جشنواره فیلم فجر با حمایت بنیاد سینمایی فازابی در قالب «مشارکت» و «اعطای وام» به تولید رسیده‌اند. فیلم‌های «غلام‌زانتختی» تهیه‌کنندگی سعید ملکان، «ماجرای نیمروز ۲: زرد خون» به تهیه‌کنندگی سیدمحمدحسین شایسته، «قصر شیرین» به تهیه‌کنندگی سیدرضا میرکریمی، «مردی بدون سایه» به تهیه‌کنندگی علیرضا نیسیان، «سمفونی نهم» به تهیه‌کنندگی زینب تقوایی، «بنفشه آفریقای» به تهیه‌کنندگی علیرضا شجاع‌نوری، «خون خدا» به تهیه‌کنندگی سیاوش حقیقی، «طلا» به تهیه‌کنندگی رامبد جوان و محمدحسین شایسته و «پالتوشتری» به تهیه‌کنندگی مجیدشیرانصاری با حمایت بنیاد سینمایی فازابی به تولید رسیده‌اند. همچنین در بخش نگاه‌نوفیلم‌های «سونامی» به تهیه‌کنندگی علی سرتیپی، «یلدا» به تهیه‌کنندگی علی مصفا و «پالتوشتری» به تهیه‌کنندگی مجیدشیرانصاری با حمایت این موسسه تولید شده‌اند. در این حال، انیمیشن سینمایی «شب آفتابی» به تهیه‌کنندگی زهرا مشتاق نیز با حمایت بنیاد فازابی ساخته شده است.

### بین علمای سینما اختلاف افتاد

#### ضدن یا ضد مردم؟

که فیلم کاملاً ضد زن و در واقع نمایش ضعف زن، در به سرانجام رساندن کارهای بزرگ است. اما آرش لاهوتی به‌عنوان کارگردان اثر در پاسخ به آنها گفت که موضوع فیلم انسانی است و اصلاً جنسیت در نقش‌ها مطرح نیست: «کمک کردن و وارد عمل شدن مرد در پایان فیلم مفهوم خانواده را بیان می‌کند و به معنای برتری مرد نسبت به زن نیست.» فیلم قصر شیرین هم که در روزهای گذشته اکران شد، چنین سوء تفاهم عجیبی را برای عده‌ای به وجود آورده بود، اما رضا میرکریمی این موضوع را رد کرد و گفت: «شاید چون من زن را دوست دارم اینگونه فیلم می‌سازم. این را هم بدانید که مردهای فیلم‌هایم را بسیار دوست دارم.» حامد بهداد، بازیگر نقش جلال در فیلم قصر شیرین هم در پاسخ به آن سوال را مطرح کرد: «ایا این یک سعادت نیست که یک نفر این شانس را داشته باشد که در مواجهه با زندگی و عناصر باقی مانده زندگی‌اش تطهیر شود و آیا این اتفاق ارزشمندی نیست؟» به‌هرحال تا پایان جشنواره هنوز راه زیادی مانده است بیشتر از بیست فیلم هنوز نمایش داده نشده است، بنابراین احتمالاً همچنان با چنین برداشتهایی مواجه خواهیم بود.

#### نیره خادمی | بعد از نمایش فیلم روزهای نارنجی تا حد زیادی بین علمای سینما اختلاف افتاد؛ اختلافاتی که در جلسه پرسش و پاسخ فیلم هم ادامه پیدا کرد.

برخی می‌گفتند فیلم ضد زن است و برخی دیگر اصرار داشتند که نه تنها ضد زن نیست بلکه ضد مردان است. اگر چه آرش لاهوتی، کارگردان فیلم روزهای نارنجی هیچ کدام از این نظرات را قبول نداشت: «ما در خیلی از جشنواره‌های بین‌المللی این فیلم را نمایش دادیم، اما عجیب است که در آن‌جا کسی چنین برداشتی نداشت.»

روزهای نارنجی فیلم بدی نبود البته اگر از ریتم کند و دیر باز شدن گره‌های آن فاکتور بگیریم. قصه زنی که سعی می‌کند در کنار کار خود، از زنان مهاجر هم حمایت کند. ظاهراً همسر این زن، نقش زیادی در حل مشکلات زندگیشان ندارد، اما درست زمانی که امیدها ناامید شده و گره در کارشان می‌افتد، به دست او گره‌ها باز می‌شود. قسمت نخست فیلم برای برخی باعث این سوء تفاهم شده بود که فیلم سعی دارد مردها را موجوداتی بی‌دست و پا نمایش دهد. قسمت دوم قصه؛ یعنی از همان جایی که مرد وارد عمل می‌شود هم این تصور را برای برخی دیگر ایجاد کرده بود



در حین نشست خبری فیلم روزهای نارنجی این دو انکار یکدیگر را تازه پیدا کرده‌اند. احتمالاً جواد رضویان به سیامک انصاری می‌گوید: به کسی نکو می‌خوام از این به بعد با هم کار کنیم و رو دست مهران مدیری بزنیم.

بهنوش طباطبایی در کنار ویسکا آسایش؛ در اکران مردمی فیلم غلام‌زانتختی. بهنوش که امسال دو فیلم «ماجرای نیمروز: زرد خون» و «غلام‌زانتختی» را در جشنواره دارد فکر سیمیرغ در سر دارد؟